

## عراق جدید، شیعیان و انتخابات دوم پارلمانی

### اشاره

برگزاری موفق انتخابات دوره دوم پارلمان عراق با مشارکت گروه‌های مختلف، به خصوص اهل سنت که به معنای پیشرفت روند سیاسی و پذیرش عمومی آن از سوی عراقی هاست، به عنوان پیامد و ویژگی مثبت این انتخابات تلقی می‌شود و برای دوستان و خیر خواهان این کشور خوشنود کننده است. این انتخابات که تاثیر گذارترین پدیده در فرایند سیاسی عراق است، از اهمیت فراوانی برخوردار است. عراق کشوری اسلامی و دارای اکثریتی شیعه است و حوزه علمیه نجف که یک تقارب مبنایی، فکری و عملیاتی را با حوزه علمیه قم دارد، در این کشور واقع شده است. همچنین اشتراکات فرهنگی، مرزی و همسویی‌های ژئوپولوتیک این کشور با ایران، این دو را به هم پیوند می‌زند و اهمیت این کشور و ضرورت رصد تحولات داخلی آن را نشان می‌دهد.

### زمینه‌ها و شرایط شکل‌گیری عراق جدید

پس از ماجراجویی‌های صدام، آمریکا و هم پیمانانش به بهانه تروریسم، به عراق حمله و آن را اشغال نمودند. در این شرایط سؤال اساسی مخالفان و فعالان سیاسی عراق این بود که در برابر این حمله چه واکنشی باید نشان دهند؟ مردم عراق نیز از صدام دل خوشی نداشتند و سرنگونی آن را می‌خواستند؛ ولی از سوی دیگر نمی‌توانستند اشغال خاک کشورشان را تحمل کنند. در چنین اوضاعی مجموعه معارضان عراقی چهار رویکرد را دنبال کردند:

عده‌ای با آمریکا همکاری کردند و به جبهه اشغالگران پیوستند؛

عده‌ای دیگر به همکاری با صدام و هواداران آن پرداخته و علیه آمریکا موضع‌گیری نمودند؛

گروهی هم منفعلانه به تماشای حوادث و رخدادها نشستند. در این میان گروه چهارم یعنی شیعیان نه همکاری با صدام را پسندیدند و نه همراهی با آمریکا را بر تافتند و نه

می‌توانستند تماشاگر باشند؛ بر این گروه کار سخت تر بود و روز به روز تحت فشار بیشتری قرار می‌گرفتند.

بعد از سرنگونی صدام بحث عمده در عراق ساختار سیاسی و تدوین قانون اساسی بود که دوباره فعالان سیاسی این کشور را به چالش کشید که در مورد حوادث و رخداد‌های مختلف چه سیاستی را می‌بایست در پیش گیرند؟ با توجه به حوادث به وجود آمده، می‌توان مدعی شد مسائل عراق، به ویژه سرنگونی رژیم بعثی صدام، ایجاد ساختارهای جدید، نوشتن قانون اساسی و رخداد‌های ریز و درشت سال‌های اخیر، موقعیت خاصی را برای اندیشمندان و فعالان سیاسی به وجود آورده است.

در طول ۱۲۰۰ سال گذشته، حاکمیت و نظام سیاسی عراق در دست اهل سنت بوده است. این اهل سنت بوده‌اند که از زمان حکومت‌های اموی، عباسی و عثمانی و بعد از آن هم، به اسم جمهوری و پادشاهی بر قدرت تکیه زدند. این حکومت‌ها بدون کمترین مشروعیتی و بی نظر و رای ملت عراق بوده است.

در میان ۵۷ کشور اسلامی تنها یک کشور شیعه وجود دارد، آن هم جمهوری اسلامی ایران است و بقیه سنی هستند و حکومت‌های کشورهای عربی همواره سنی بوده‌اند. به این ترتیب عراق اولین دولتی است که با اکثریت شیعه در منطقه نمایان می‌شود و نوع جدیدی از حکومت را در جهان اسلام و عرب تجربه می‌کند.

در ساختار جدید به نوعی شیعیان در کنار اهل سنت، اداره کشور عراق را به دست گرفته و مستقیم وارد ساختار قدرت شده‌اند، اما این پدیده‌ای است که خوشایند و مورد موافقت برخی کشورها نبوده و مخالفت‌ها نسبت به نظام سیاسی عراق در جهان اسلام و جهان عرب برخاسته از همین شرایط است. این وضعیت در حالی است که اکثر کشورهای منطقه با اصل نظام مردم سالاری میانه‌ای ندارند. و تقریباً هیچ یک از کشورهای عربی، نظام مردم سالار را در ساختار سیاسی خود تجربه نکرده‌اند؛ بنابراین وجود یک نظام سیاسی مردم سالار مبتنی بر آرای اکثریت ملت در عراق می‌تواند تهدید کننده این نظام-ها باشد؛ به ویژه این که ابزارهای رسانه‌ای، جریان اطلاعات را تسریع بخشیده‌اند.

امروز در عراق ده‌ها کانال ماهواره‌ای و صدها مجلات هفتگی و ماهنامه وجود دارد که با توجه به اشتراک زبانی با سایر کشورهای عربی، می‌تواند بسیار تاثیر گذار باشد. جالب این است که در کشورهای مختلف اسلامی، مردم از ریز وقایع سیاسی عراق، که حتی ممکن است خود عراقی‌ها هم به آن میزان پی‌گیر نباشند، اطلاع دارند. همه این‌ها از طریق تلویزیون‌ها و رسانه‌ها و از پخش مستقیم جلسات پارلمان حاصل می‌شود. این روند در آینده تاثیر شگرفی در کشورهای منطقه خواهد داشت و ساختارهای سیاسی حاکم را به چالش خواهد کشید.

از سوی دیگر حضور شیعیان در محوریت حکومت عراق و اشتراک منافع آن‌ها با جمهوری اسلامی ایران، سوریه و شیعیان لبنان می‌تواند محور مهمی در منطقه شکل دهد که برای رقبا و معاندین مذهبی خوشحال کننده نیست لذا تلاش می‌کنند شکل‌گیری این محور که اسم آن را هلال شیعی گذاشته‌اند ناکام بماند.

این در شرایطی است که ضعف اندیشه وهابیت و عدم موفقیت آن از نظر تئوری و عملی در جهان اسلام بر همگان روشن شده است، با این که وهابیون تلاش‌های زیادی کردند و هزینه‌های زیادی می‌پردازند؛ اما نتوانسته‌اند موقعیت قابل قبولی در جهان اسلام پیدا کنند. در مقابل، شیعه با طرح اندیشه‌های ناب عقلانی و منطقی که اساس آن از آموزه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام گرفته شده است، در منطقه مورد استقبال قرار گرفته و مانند درختی تنومند در حال رشد و بالندگی است. گسترش تفکر شیعی با توجه به عدم برد و تاثیرگذاری وهابیت در منطقه، باعث نگرانی شدید وهابیون شده است.

با توجه به مطالب بالا و حضور شیعه با این صبغه جمعیتی در عراق و ویژگی‌های خاصی چون منابع استراتژیک نفت، ژئوپولیتیک، امنیت، تاریخ و تمدن بین النهرین، که از قدیمی ترین تمدن‌های جهان است، می‌توان مدعی شد عراق به کشوری قدرتمند و تاثیر گذار در منطقه تبدیل خواهد شد. مسائلی چون حضور اندیشمندان، متفکران و نخبگان عرب در عراق و مراکز علمی چون نجف را به این ویژگی‌ها اضافه کنید.

جالب این که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی که هنوز حکومت فاشیستی صدام حسین معدوم شکل نگرفته بود، دانشمندان زیادی از دانشگاه بغداد فارغ التحصیل و به کشورهای خود مراجعت نمودند و این‌ها با این که سنی بودند، با حوزه علمیه نجف و دانشمندان شیعه ارتباط داشتند و دیدگاهی مثبت نسبت به شیعه دارند.

بنابراین عراق که از نظر جمعیتی دومین کشور جهان عرب بعد از مصر است و از منابع نفت و موقعیت استراتژیکی چشمگیر در منطقه برخوردار است و با ایران و کشورهای خلیج فارس و همچنین با اروپا و ترکیه ارتباط دارد، می‌تواند کل توازن منطقه را در آینده تحت تاثیر قرار دهد.

### ساختار سیاسی جدید عراق

آمریکا پس از ورود به عراق تصمیم گرفت تا شورایی مانند لویی جرگه افغانستان تشکیل دهد که قانون اساسی عراق را تدوین نماید؛ اما ملت رشید عراق با هدایت مرجعیت با تمامی قوا وارد صحنه شد و با برپایی راهپیمایی‌های اعتراض آمیز میلیونی در

سرتاسر عراق و تلاش‌های مرجعیت باعث شد که آمریکا به زور، تشکیل مجلس مؤسسان قانون اساسی که منتخب ملت هم باشد را بپذیرد. در آن ایام تیتراول روزنامه‌های اول آمریکا این بود که «آقای سیستانی به بوش درس دموکراسی می‌دهد». شیعیان عراق با استفاده از این اندیشه که باید نظام سیاسی برآمده از رأی ملت باشد، موضوع دموکراسی را مورد توجه ویژه قرار دادند.

در قانون اساسی مصوب، حضور شش فقیه در نهادی تحت عنوان دادگاه فدرال تثبیت شد. همچنین در این قانون آمده است که شهرهای مقدس عراق همانند کربلا، نجف، کاظمین و سامرا از خصوصیت دینی ویژه‌ای برخوردار هستند. نباید قانونی خلاف مبانی اسلام در پارلمان باشد و نیز باید شعائر حسینی به عنوان یک آزادی دینی و مذهبی برای شیعیان به رسمیت شناخته شود. همچنین آمده است که احوال شخصی هر فردی تابع مذهب او است. این در حالی است که قبلاً فقه حنفی که ۱۷ یا ۱۸ درصد از ملت عراق بر طبق آن عمل می‌کردند، در عراق اجرا می‌شد. قانون یاد شده حقوق اقلیت‌های عراق را به رسمیت شناخته و احترام ویژه‌ای برای اسلام در نظر گرفته است. برخی از کارشناسان با ملاحظه این قانون اظهار می‌داشتند مگر می‌شود کشوری که آمریکا آن را اشغال کرده است، چنین قانون اساسی و بر اساس اسلام داشته باشد. این همه حاصل وحدت ملت عراق، مواضع خردمندانه مرجعیت دینی و تلاش‌های سیاسیون دین مدار بود که با بسیج همه امکانات و تحمل همه فشارها سنگ بنای جدیدی را در عراق بنا نهادند.

قانون اساسی عراق همانند سایر کشورها به عنوان یک قرارداد اجتماعی است که بایستی همه ملت عراق به آن پایبند و فصل الخطاب تمام کشمکش‌های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی ملت باشد. خیلی‌ها تلاش کردند که طبق اندیشه و طرح‌هایی که آمریکا برای عراق در نظر گرفته بود، قانون اساسی نوشته شود؛ اما چنین نشد و بسیار هوشمندانه پیش رفت. برای نوشتن قانون اساسی اولین چیزی که اعلام گردید این بود که هیچ گونه پیشنویسی مورد قبول نیست. این تصمیم در مجمع ملی انتقالی گرفته شد که تعدادشان ۲۷۵ نفر بود و همه این‌ها منتخب ملت عراق بودند. در این مجمع لیست شیعه با حمایت مرجعیت دینی و همچنین نخبگان سیاسی و ملت عراق شکل گرفته بود که دارای ۱۳۸ کرسی بود و حائز اکثریت. با تمام این اوصاف اینطور نیست که این قانون کامل باشد و ضعف در آن یافت نشود.

این قانون حق شهروندی را مبنای قرار داده است و هر فردی بدون توجه به فعالیت دینی، مذهبی، نژادی و قومی شهروند عراق محسوب شده و دارای همه حقوق می‌باشد. علاوه بر این بر طبق سه مبنای جمعیت، مساحت و محرومیت، بودجه عراق تقسیم می‌شود. هر استانی به تناسب، بودجه خود را می‌گیرد و هیچ کس احساس ظلم نمی‌کند.

با توجه به همه این مسائل اگر در عراق جدید باز هم کسی مظلوم باشد، شیعیان هستند؛ چون در همه جای دنیا معنای حکومت حداکثری نصف به اضافه یک است؛ اما در عراق با این که شیعیان ۶۰٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند، اما رییس جمهور کرد است و دو معاون دارد، یکی شیعه و دیگری سنی؛ در پارلمان، رییس پارلمان سنی است، دو تا معاون دارد که یکی شیعه و یکی هم کرد است و نخست وزیر شیعه است، اما باز دو معاون سنی و کرد دارد. بنابراین شیعه حدود یک سوم قدرت را دارد. و در مناصب و پست‌های حاکمیتی در وزارتخانه‌ها هم هر فراکسیونی به اندازه حجم پارلمانی‌اش نمایندگی دارد. تمام این همراهی‌ها به جهت حفظ وحدت و یکپارچگی عراق بوده است. در عین حال مظلومیت شیعه در عراق تمام نشده است و هر روز مورد آزار و اذیت، قتل و غارت و... قرار می‌گیرند.

#### انتخابات دوم پارلمانی، نتایج و پیامدها

انتخابات پارلمانی عراق که در مارس ۲۰۱۰، با مشارکت ۶۲/۴ درصد مردم عراق و با حضور تمامی گروه‌های سیاسی و اجتماعی برگزار شد، دومین انتخابات پارلمانی برای تشکیل دولت دائمی بعد از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ محسوب می‌شود. این انتخابات از منظرهای مختلف از جمله روند برگزاری، ترکیب و چینش ائتلاف‌های سیاسی و نتایج، با انتخابات ۲۰۰۵ تفاوت‌هایی داشت و با چالش‌ها و مسائلی همراه بود. می‌توان گفت که این انتخابات علاوه بر ابعاد داخلی، از نگاه منطقه‌ای و بین‌المللی نیز از اهمیت فراوانی برخوردار بود و نتایج و دولت ناشی از آن، پیامدهای جدی بر توازن قدرت منطقه‌ای خواهد داشت. و این مسئله‌ای است که در خصوص آن دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است.

#### طیف‌های سیاسی فعال در انتخابات

- ۱ - طیف ائتلاف ملی عراق که اکثریت گروه‌های شیعه عراق را در بر می‌گیرد و شامل جریان صدر، مجلس اعلا، طیف دکتر ابراهیم جعفری، آقایان چلبی، بحر العلوم، حیدری و سایر شخصیت‌های معروف سیاسی اسلامی عراق است.
- ۲ - ائتلاف دولت قانون که رهبری آن به عهده آقای نوری مالکی، نخست وزیر فعلی عراق است. البته تلاش شده است که این ائتلاف صرفاً مذهبی خاص نباشد و افراد مسیحی و سنی هم حضور داشته باشند که در مناطق خودشان متمرکز هستند.
- ۳ - ائتلاف کردها که از یازده حزب کردی تشکیل شده است با محوریت دو حزب اساسی یعنی اتحادیه میهنی کردستان عراق و حزب دموکرات کردستان عراق.

۴ - ائتلاف العراقيه به رهبري آقای ایاد علاوی نخست وزیر اسبق عراق؛ اگرچه ایشان شیعه است ولی لیبرال مسلک و دارای هدف‌های خاصی می‌باشد. آقای رافع عیسوی و اسامه نجفی هم از سران اهل سنت عراق با این ائتلاف همراهی می‌کنند. این طیف علاوه بر کشورهای عربی مورد حمایت کشورهای غربی نیز هست.

۵ - ائتلاف پنجم، ائتلافی است که با عنوان وحدت عراق معروف می‌باشد؛ در این ائتلاف وزیر کشور عراق آقای بورانی که ایشان هم شیعه است، با آقایانی که از الانبار و عشایر سنی عراق هستند، فعالیت می‌کنند. البته این فراکسیون ضعیف تر از سایر فراکسیون‌ها است.

طیف آقای علاوی برای تغییر روند و پروسه جاری آمده بود و نگرانی نیروهای اسلامی و ملی از همین طیف است که مورد حمایت نیروهای بعثی و گروه‌هایی از اهل سنت است و کشورهای مختلف اعم از عربی و اسلامی، همینطور برخی از کشورهای فرا منطقه‌ای مانند آمریکا و انگلیس، تمایلات واضحی نسبت به آن‌ها دارند. این ائتلاف تلاش دارد با همراه کردن همفکران خود فراکسیون بزرگ‌تری را تشکیل دهد، زیرا طبق قانون اساسی، عراق دارای نظام پارلمانی است و فراکسیون حائز اکثریت در انتخابات، نخست وزیر را معرفی می‌کند. شیعیان تلاش زیادی کردند که دو ائتلاف ملی و دولت قانونی یکی شوند تا تضمین حقیقی نسبت به اکثریت پارلمان باشد و موضوع نخست وزیری قطعاً در چارچوب مورد نظر شیعیان تعریف شود، اما همه تلاش‌ها پیش از انتخابات متأسفانه ناکام ماند.

### قانون جدید انتخابات عراق

روند تدوین قانون انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰، با چالش‌ها و مسائل عمده‌ای همراه بود که از جمله آن‌ها مجادله در خصوص لیست باز و بسته و مناقشه در خصوص کرکوک بود. در نهایت مقرر شد انتخابات در قالب نظام لیست باز و چند دایره‌ای برگزار شود و کرکوک نیز به عنوان یک حوزه انتخابیه واحد همانند سایر استان‌های عراق در نظر گرفته شود. اختلاف نظر در خصوص نحوه توزیع ۳۲۵ کرسی مجلس نمایندگان و به خصوص میزان کرسی‌های عراقی‌های خارج از کشور نیز از جمله مسایلی بود که باعث وتوی قانون انتخابات از سوی طارق الهاشمی، معاون اهل سنت ریاست جمهوری عراق شد. گروه‌های عراقی در نهایت توافق کردند که عراقی‌های خارج از کشور به نامزدهای استان‌هایی که قبلاً در آنجا ساکن بوده‌اند رأی دهند و تعداد کرسی‌های استان‌ها نیز به میزان ۲/۸ درصد نسبت به سال ۲۰۰۵، افزایش یافت. ۸ کرسی نیز به اقلیت‌های اجتماعی عراق اختصاص داده شد.

چالش دیگر در روند برگزاری انتخابات عراق، ممنوعیت شرکت نامزدهای بعثی در انتخابات از سوی هیئت باز خواست و عدالت (بعثی زدایی سابق) بود که به خصوص نارضایتی گروه‌های سنی را در پی داشت.

طبق آخرین آمار که وزارت بازرگانی عراق اعلام کرده بود، جمعیت عراق ۳۲۵۰۰۰۰۰ نفر برآورده شده بود که در نتیجه برای هر صد هزار نفر یک کرسی در نظر گرفته شده است و مطابق آن ۳۲۵ کرسی در پارلمان عراق وجود دارد که ۳۰۷ کرسی از این کرسی‌ها در سهمیه استانها آمده است و ۸ کرسی هم مانند ایران برای اقلیت‌ها است و ۸ کرسی بقیه هم تحت یک ترتیبات شمارشی ویژه انتخابات است که اضافه‌های هر یک از لیست‌ها را جمع می‌کنند و به لیست بیشتر می‌دهند.

نکته دیگر این که طبق قانون، مسئول اجرای انتخابات، کمیساریای عالی مستقل انتخابات عراق است که ۸ عضو دارد و توسط پارلمان عراق انتخاب می‌شود و پارلمان مسئول نظارت بر آنها است. و ستاد انتخاباتی تحت نظر همان هشت نفر اداره می‌شود. دولت عراق تنها امنیت را برعهده دارد و هیچ مسئولیتی نسبت به اصل برگزاری انتخابات ندارد. کمیساریا با توجه به تشکیلات و سازماندهی در تمام استان‌های عراق، و در ۱۶ کشور خارجه، از جمله جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، انگلیس، استرالیا، دانمارک و هلند و سایر کشورهایی که عراقی‌ها زندگی می‌کنند، انتخابات را برگزار می‌کند. طبق همین رویه سفارتخانه‌ها در کشورهای خارجی هیچگونه مسئولیتی در انتخابات ندارند و مسئول، همان کمیساریا است.

طبق قانون جدید انتخابات عراق، هر ائتلافی می‌تواند دو برابر تعداد مورد نظر لیست ارائه دهد و به نسبت جمعیت هر یک از استان‌ها در مجلس کرسی خواهد داشت. به طور مثال استان نجف طبق کوپن‌هایی که می‌گیرد یک میلیون و دویست هزار نفر جمعیت دارد که ۱۲ کرسی در مجلس خواهد داشت. یا بغداد طبق تعریفی که شده است ۶۸ کرسی دارد که تعدادی از این کرسی‌ها متعلق به اقلیت‌هاست.

البته باید توجه داشت که نظام سیاسی عراق، نظام پارلمانی است و در نظام‌های پارلمانی معمولاً لیست‌ها بسته است. در ۶۳ کشور جهان نظام انتخاباتی اینگونه است و افراد تنها به لیست رای می‌دهند؛ چون نظام پارلمانی نظام حزبی است. اما اکنون طبق تغییرات، مردم می‌توانند هم به لیست و هم به یک فرد رای دهند. سابق بر این شاید کسی در لیست وجود داشت که مردم مایل نبودند به او رای بدهند، و بر خلاف میلشان رأی می‌دادند، ولی الان می‌شود به کاندیدایی جدای از لیست رای داد. در انتخابات اول رای به لیست هم نبود و کل عراق یک حوزه انتخابی محسوب می‌شد و کسی که در

موصل و بصره زندگی می‌کرد، به یک لیست رای می‌داد. طبق تغییرات انجام شده هر استان با استان دیگر فرق دارد و لیست هم باز است.

### نتایج انتخابات ۲۰۱۰

انتخابات عراق با شرکت ۱۶۵ جریان سیاسی در قالب چندین ائتلاف برگزار شد؛ ائتلاف‌هایی که اغلب با ائتلاف‌های سیاسی سال ۲۰۰۵ متفاوت بودند و در هر یک از آن‌ها احزابی از گروه‌های قومی - فرقه‌ای مختلف شرکت کرده بودند. اما در نهایت چهار ائتلاف عمده و برخی گروه‌های دیگر موفق شدند کرسی‌هایی را به دست آورند. عمده تحلیل‌های اولیه در مورد انتخابات عراق بر محور شکست شیعیان بوده است. اما اعلام پیروزی با اختلاف دو کرسی به نفع ائتلاف العراقیه به رهبری ایاد علاوی آنچنان شکننده بود که بنظر می‌رسد اطلاق پیروزی بر آن به معنای نادیده گرفتن واقعیت‌های صحنه سیاسی در عراق خواهد بود.

شاید نگاه به خطوط ظاهری اخبار تا حدودی صحت اخبار پیروزی آقای علاوی را تأیید نماید، لیکن عبور از این خطوط و ورود و درک مسائل فرا خطوطی اخبار می‌تواند ما را به سطحی دیگر از تحلیل برساند. واقعیت انتخابات عراق در نگاه کلان نمایش پیروزی شیعیان عراق است. عدم تحمل شیرینی این واقعیت برای دشمنان شیعیان سبب گردید، آنان به گونه‌ای تلاش نمایند فضا را برای شیعیان تلخ ترسیم نمایند در این انتخابات لیست العراقیه تحت رهبری ایاد علاوی، توانست ۹۱ کرسی از مجموع ۳۲۵ کرسی را به دست آورد. این لیست که شامل سنی‌ها، شیعیان سکولار و بعضی‌های درجه ۲ و ۳ است، نماینده بخش سنی جمعیت عراق محسوب می‌شود و صالح مطلق، رهبر جبهه گفتگوی ملی و طارق الهاشمی، رهبر لیست تجدد از مهم‌ترین اعضای آن بشمار می‌روند. بعد از لیست العراقیه، ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری مالکی با ۸۹ کرسی، توانست دومین ائتلاف پیروز انتخابات پارلمانی عراق باشد. این ائتلاف هرچند یکی از دو ائتلاف منتخب جامعه شیعی است، با این حال شامل برخی از احزاب سنی، مانند جبهه ملی نجات انبار نیز می‌باشد و سعی کرده است تا خود را ملی و فرافرقه‌ای نشان دهد. ائتلاف سوم پیروز، ائتلاف ملی عراق است که در برگیرنده عمده احزاب شیعی از جمله مجلس اعلای اسلامی، جریان صدر، حزب فضیلت و جنبش اصلاح ملی، تحت رهبری آقای ابراهیم جعفری است که توانست در انتخابات ۷۰ کرسی را از آن خود کند.

ائتلاف کردستان عراق متشکل از دو حزب دموکرات و اتحادیه میهنی کردستان، با کسب ۴۳ کرسی چهارمین ائتلاف پیروز انتخابات پارلمانی عراق به شمار می‌رود.



## توازن سیاسی بر اساس قومی - فرقه‌ای

همان گونه که نتایج انتخابات نشان می‌دهد، برخی تغییرات در توازن سیاسی و ترکیب دولت آینده عراق با توجه به چگونگی پیشبرد ائتلاف‌ها و چانه زنی‌های سیاسی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. نتایج انتخابات و به خصوص بررسی آن‌ها در سطوح استانی نشان می‌دهد که علایق و تمایلات رأی‌دهندگان عراقی کماکان بر مبانی گروهی و قومی است؛ بدین معنی که دو ائتلاف عمدتاً شیعی دولت قانون و ائتلاف ملی عراق از استان‌ها و مناطق شیعی، لیست العراقیه با بدنه احزاب سنی، از مناطق سنی نشین و احزاب کردی از مناطق کرد نشین، رأی کسب کرده‌اند. بر این اساس، می‌توان عنوان کرد که اولین ویژگی انتخابات پارلمانی اخیر تداوم چینش ائتلاف‌ها بر اساس شکاف‌های قومی - فرقه‌ای و تناسب میزان قدرت و جایگاه گروه‌ها با میزان جمعیت‌های سه‌گانه شیعی، سنی و کرد است. در این راستا، مجموع دو ائتلاف شیعی دولت قانون و ائتلاف ملی عراق، اندکی کمتر از نیمی از کرسی‌های پارلمان را به خود اختصاص داده‌اند و با ائتلاف و هماهنگی با یکدیگر می‌توانند نخست‌وزیر و بدنه اصلی دولت را تعیین نمایند. احزاب سنی و کرد نیز با کسب سایر کرسی‌ها به عنوان نماینده دو اقلیت بزرگ عراق، می‌توانند با ائتلاف‌های شیعی جهت تشکیل دولت همکاری کنند.

## رشد گروه‌های سکولار

ویژگی بعدی نتایج انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ عراق را می‌توان به افزایش نسبی قدرت و موقعیت شخصیت‌ها و گروه‌های سکولار، نسبت به دوره قبل تلقی نمود. در خصوص معنا و مفهوم سکولاریزم در عراق می‌توان تفاوت‌هایی را با مفهوم عمومی آن قائل شد؛ بر این اساس که جدا کردن دین و سیاست ملاک تمایز سکولار از گروه‌های دینی در عراق نیست؛ چرا که در عراق حتی گروه‌ها و شخصیت‌های دینی نیز مشی جدایی دین و سیاست دارند. از این رو تمایز میان گروه‌های سکولار و گروه‌های دینی به نحوه ارتباط آن‌ها با مراکز قدرت دینی مربوط می‌شود. گروه‌های دینی با مراکز قدرت یا چهره‌ها و دولت‌های دینی مرتبط هستند؛ اما سکولارها بر شعارهای ملی و فرافرقه‌ای تکیه می‌کنند. بر این اساس، علت اینکه برخی تأکید دارند در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰، سکولارها پیروز شده‌اند، کسب بیشترین آرا توسط لیست العراقیه و دولت قانون است که به ملی‌گرایی و سیاست فرافرقه‌ای تأکید می‌کنند. ائتلاف دولت قانون بیش از نیمی از کرسی‌های گروه‌های شیعی را به دست آورده است و لیست العراقیه با تأکید بر هویت عربی عراق، با کسب آرای بالا حتی توانست در منطقه‌ای مانند کرکوک به اندازه ائتلاف کردستان عراق، صاحب کرسی شود.

از این رو تلاش‌های وسیعی صورت می‌گیرد تا اسلام‌گراها را از ساختار حکومت خارج کنند. هم اکنون اسلام‌گراها در عراق حاکم هستند حتی سنی‌ها، چون سنی‌های داخل حکومت هم به نوعی اسلام‌گرا هستند. آقایان طارق هاشمی و مشهدانی عضو حزب اسلامی هستند، لذا می‌توان گفت در حال حاضر اسلام‌گراها حاکم هستند؛ چه در اردوگاه شیعه و چه سنی. در مقابل تلاش می‌شود اسلام‌گراها حذف شوند.

شاید این سوال پیش آید که چگونه ائتلافی علیه اسلام‌گراها شکل می‌گیرد؟ از آنجا که لیست‌های انتخاباتی باز است، آقای طارق هاشمی تحت فشار قرار گرفت تا با سکولارها ائتلاف کند. جالب تر آن که حزب اسلامی در حین همراهی با سکولارها تحت فشار بود تا پسوند اسلامی را حذف کند؛ اما آقای طارق هاشمی قبول نکرد. در چنین شرایطی و با هدف حذف اسلام‌گراها از قدرت انتقادات از دولت فعلی آغاز گردید و به شدت ادامه دارد. منتقدین روی ناکارآمدی دولت تأکید دارند و مدعی‌اند که دولت ناکارآمد است؛ فقر، عدم کیفیت شبکه بهداشت و آموزش و ناتوانی دولت در احداث و حل معضل فاضلاب و امنیت عراق را به عنوان ناکارآمدی دولت اسلام‌گراها بیان می‌کنند. در مورد حملات تروریستی مدعی هستند که اقدامات تروریستی عراق بی ربط با ناکارآمدی این دولت نیست. در راستای همین هدف آن‌ها به اقدامات خود اشاره می‌کنند. خصوصاً به رشد سرمایه‌گذاری خارجی که در چند ماه اخیر انجام شده است. به ویژه این که در ماه‌های گذشته سرمایه‌گذاری وسیع شرکت‌های نفتی جهان در عراق صورت گرفت که در عرض شش سال قرار است تولید نفت عراق به ۱۲ میلیون بشکه در سال برسد. اگر چنین رشدی در تولید نفت صورت گیرد، بودجه ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلاری عراق را رشد خواهد داد و اگر حکومت در دست شیعیان باشد، می‌تواند منطقه را به نفع شیعیان تغییر دهد و کفه توازن منطقه را برگرداند.

با توجه به این نگرش، حکومت‌های مرتجع منطقه و قدرت‌های غربی مایل نیستند که اسلام‌گراها پیروز انتخابات باشند. این سیاست همان روندی است که در لبنان در پیش گرفته شد و حدود ۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار بودجه صرف شد تا حزب الله پیروز انتخابات نباشد.

بی شک انتخابات عراق برای همه احزاب شیعی، سنی، کرد و نیروهای داخلی و خارجی موثر در این کشور پیام‌هایی داشته و دارد. بنظر می‌رسد درک این پیام‌ها می‌تواند راهنمایی برای عملکرد بهتر و موثرتر برای این نیروها فراهم نماید تا همگی آنان بگونه‌ای عمل نمایند که بیش از گذشته بتوانند در خدمت مردم عراق باشند. ظهور یک عراق توسعه یافته و با ثبات، منافع همه همسایگان و از همه مهمتر مردم عراق را تأمین نموده و مهم‌ترین عامل رسیدن به این نقطه پذیرش واقعیت‌های حاکم بر عراق است.

## روند تشکیل دولت و انتخاب رئیس جمهور

بخشی از پیچیدگی و طولانی شدن روند تشکیل دولت، به قوانین عراق مربوط می‌شود. قانون اساسی عراق انتخاب رئیس جمهور، نخست وزیر و پست‌های کلیدی، مانند: معاونین رئیس جمهور و وزارت خانه‌های اصلی، مثل وزارت خارجه، دفاع و کشور را به صورت توافقی پیش بینی کرده است. انتخاب رئیس جمهور با دو سوم آرای نمایندگان مجلس صورت می‌گیرد که نیازمند توافق درصد بالایی از نمایندگان است. به لحاظ زمانی، انتخاب نخست‌وزیر بعد از انتخاب رئیس جمهور است. رئیس جمهور منتخب باید نمایندگان بزرگ ترین فراکسیون پارلمانی را مأمور تشکیل کابینه نماید و نخست‌وزیر و کابینه باید رأی موافق نصف به علاوه یک نمایندگان مجلس را به دست آورند. ولی این ترتیب، فقط زمانی است؛ چرا که همه توافقات صورت می‌گیرد آنگاه رئیس جمهور انتخاب می‌شود. به عبارت دیگر، احزاب و گروه‌های عراقی بر سر ریاست جمهوری توافق نخواهند کرد، مگر اینکه تکلیف پست نخست وزیری و سایر پست‌های کلیدی مشخص شده باشد.

غیر از محدودیت‌ها و مسائل قانونی، نوع و ترکیب آرا و ائتلاف‌ها نیز دستیابی به توافق را دشوار و پیچیده می‌کند.

در شرایط فعلی و پس از هماهنگی دو ائتلاف بزرگ شیعه آرای گروه‌های شیعی در مقایسه با سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که شیعیان در سال ۲۰۰۵، با ۱۲۸ کرسی به ۱۱ رأی دیگر برای تشکیل دولت نیاز داشتند، اما اکنون با ۱۵۹ کرسی، برای تشکیل دولت تنها به ۴ رأی دیگر نیازمند هستند. با این همه، مسئله‌ای که موقعیت گروه‌های شیعی را ضعیف تر نشان می‌دهد، انسجام بیشتر گروه‌های رقیب، یعنی سنی‌ها، در قالب لیست العراقیه است که از حمایت کشورهای عربی و غربی نیز برخوردارند. علاوه بر این، تعدد ائتلاف‌های شیعی و کسب بیشترین کرسی‌ها از سوی العراقیه، به رغم عدم تأثیر گذاری جدی عملی در تقسیم قدرت، از منظر روانی تأثیر گذاری‌های خاص خود را داشته است. بنابر این، علاوه بر گروه‌های شیعی و کرد، سنی‌ها نیز در دوره اخیر مدعی کسب پست‌های مهم و سهم بیشتری از قدرت هستند که این امر، چانه زنی‌های سیاسی و تشکیل دولت را با دشواری و پیچیدگی‌های بیشتری مواجه می‌کند.

## سناریوهای احتمالی

احتمال اول این است که همانند سال ۲۰۰۵، فراکسیون عمده‌ای از سوی دو ائتلاف شیعی و گروه‌های کردی تشکیل شود و با توجه به دارا بودن دو سوم آرای مجلس

نمایندگان، بدون نیاز به لیست العراقیه، دولت را تشکیل دهد. در این صورت تکلیف تعیین رئیس جمهور، نخست وزیر و وزرا راحت تر مشخص می‌شود؛ احتمال دیگر این است که لیست العراقیه با گروه‌های کرد ائتلاف تشکیل دهد؛ احتمالی که مورد توجه و حمایت امریکایی هاست. این لیست در صورت جذب برخی دیگر از کرسی‌های پراکنده مانند آرای جبهه توافق، می‌تواند دولت تشکیل دهد؛ احتمال سوم این است که ائتلاف‌های شیعی تحت رهبری مالکی و حکیم، بدون حضور کردها و جذب برخی دیگر از آرا مانند جبهه توافق از جامعه سنی و دادن امتیازاتی به آن‌ها موفق به تشکیل دولت شوند؛ چرا که آن‌ها با جذب آرای پراکنده ائتلاف‌های شیعی می‌توانند به حد نصاب نصف بعلاوه یک دست یابند. این احتمال مستلزم حذف العراقیه و کردها از ترکیب دولت است؛ امری که بعید به نظر می‌رسد. اما در مجموع با توجه به شرایط عراق و ترکیب آرای ائتلاف‌های مختلف، به نظر می‌رسد که هیچ کدام از احتمالات بالا به صورت کامل قابل تحقق نباشد؛ چرا که کنار گذاشتن کامل هیچ کدام از چهار ائتلاف پیروز ممکن نیست و باعث اختلال و چالش‌هایی در روند سیاسی می‌شود. بر این اساس، احتمال قوی تر تشکیل دولتی متشکل از چهار ائتلاف پیروز انتخاباتی خواهد بود.

### وحدت، نیاز امروز و هر روز عراق

مرجعیت دینی در عراق اهتمام ویژه‌ای نسبت موضوع وحدت داشته‌اند، حتی آیت الله سیستانی معتقد است که به سنی‌ها برادر نگوئید، بلکه سنی‌ها نفس ما هستند. یا در مواضعی چون قانون نفت، انتخابات و امنیت و مسایل دیگر موضع‌گیری ایشان بنحوی است که برای سنی‌ها این حس ایجاد شده است که مرجعیت دینی واقعاً در پی ایجاد وحدت بین شیعه و سنی است.

مشکل شیعه و سنی در عراق مشکل مذهبی نیست، بلکه مشکل، مشکل سیاسی است. اهل سنت سالیان سال حکومت را در دست داشتند و تصور می‌کنند که شیعیان دولت را از دست آن‌ها گرفته و نظام سیاسی را شکل داده و حاکم شده‌اند. در حالیکه به هیچ وجه اینگونه نیست، یعنی به اندازه سهم جمعیتی، سنی‌ها در دولت، پارلمان، وزارتخانه‌ها و در کلیه مناصب حکومتی نمایندگی دارند ولی به هر ترتیب طیفی که ۱۲۰۰ سال دولت و حکومت در دست‌شان بود، به این راحتی این موقعیت جدید را نمی‌توانند بپذیرند. به علاوه کشورهای منطقه مدام تحریک و تهدید می‌کنند و واقعیت سیاسی جدید عراق را نمی‌خواهند بپذیرند مقاومت می‌کنند. ولی شیعیان بین سنی‌ها تفکیک قائل می‌شوند؛ بین

آن‌هایی که این پروسه را قبول ندارند و با حکومت همکاری می‌کنند و آن‌هایی که کل نظام را مورد هدف قرار می‌دهند و هر روز جنایت می‌کنند.

جنايات القاعده در عراق تنها نسبت به شیعیان نبوده است؛ درست است که در ابتدای ورود به عراق، شعار حمایت از سنی‌ها را می‌داد اما القاعده بعد از استقرار در عراق علیه سنی‌ها هم وارد عمل شد و هر کس در جامعه سنی با آن‌ها مخالفت می‌کرد مورد تعرض قرار می‌گرفت. عموماً سنی‌های عراق یا شافعی هستند یا مالکی، نه حنبلی و صدام هم نتوانسته بود با این‌ها کنار بیاید.

امروز ملت عراق اذعان دارد که مرجعیت شیعه تنها منافع شیعه را در نظر نمی‌گیرند و منافع کل عراق را پی‌گیری می‌کند. نمونه آن مسئله نفت است که در واقع یک امتیازی برای شیعیان است ولی آیت الله سیستانی فرمودند نفت عراق برای کل عراق خواهد بود.

بی‌شک ملت عراق با دارا بودن چنین سرمایه‌های معنوی می‌تواند و باید، مسیر دشوار کنونی را طی نموده و با فرزاندگی، شرایطی را فراهم نماید که اشغال‌گران چاره‌ای جز خروج از این کشور نداشته باشند و این ملت رشید، خود بر سرنوشت خویش حاکم شود. انشاءالله

حسن رضایی